اعترافات عجیب پسری که پدرش را در برج لاکچری کشت

سفر به ایران برای قصاص برادر

گروه حوادث: کامران علمدهی/ پسر جوان که با همدستی دوست دوران دانشگاهش پدر ثروتمند خود را کشته بود در حالی پای میز محاکمه ایستاد که خواهرش خواهان قصاص وی شد.

به گزارش «ایران»، خرداد سال ۱۴۰۳ نگهبان یک برج مسکونی در زعفرانیه در تماس با پلیس عنوان کرد که از خانه یکی از همسایه‌ها بوی تعفن می‌آید. پس از اعزام مأموران به محل و ورود به خانه با جسد پتوپیچ مرد میانسالی به نام خسرو مواجه شدند که با ضربات متعدد چاقو به قتل رسیده بود. در ادامه تحقیقات مشخص شد، آخرین کسی که به خانه مقتول ورود داشته پسرش بوده است. بنابراین وی بازداشت شد و به قتل پدرش با همدستی دوستش اعتراف کرد. با دستگیری دوست متهم و تکمیل تحقیقات، پرونده برای رسیدگی به شعبه ۱۰ دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد.

در دادگاه چه گذشت؟

در ابتدای جلسه محاکمه همسر اروپایی و دختر مقتول نیز حضور داشتند. دختر جوان به قاضی گفت: «من و مادرم از مدتی قبل در اروپا زندگی می‌کنیم اما برای شرکت در این جلسه به ایران آمدیم و برای قاتل پدرم درخواست قصاص دارم.»

سپس پسر مقتول به عنوان متهم ردیف اول به جایگاه رفت و گفت: «من پدرم را کشتم چون مهدورالدم بود. من سال‌ها در هندوستان درس خواندم و با دوستم نوید همانجا آشنا شدم، وقتی به ایران برگشتیم با پدرم اختلاف پیدا کردم و در خانه‌ای جدا زندگی می‌کردم. از چند ماه قبل از این جنایت تصمیم به قتل گرفتم و به دوستم گفتم، قرار بود در ازای این کار ۲ هزار دلار به نوید پرداخت کنم. روز حادثه پدرم به من پیام داد که ماشین لکسوس را بیاور و ۲۰۶ را ببر، من هم با نوید به خانه‌اش رفتیم. نوید دستان پدرم را گرفت و من هم با چاقو ۱۰ ضربه به او زدم و بعد هم یک دستبند و انگشتر طلا و یک دندان شیر که مال خودم بود و ۲ هزار دلار از گاوصندوق پدرم برداشتیم و رفتیم.»

قاضی پرسید: چرا فکر می‌کردی پدرت مهدورالدم است؟

متهم جواب داد: چند وقت قبل مادرم گفت پدرت خواهرت را آزار داده و خواهرم هم با زدن رگ‌هایش دست به خودکشی زده است. پس از آن نوید که اتهام معاونت در قتل داشت به جایگاه رفت و گفت: «چند شب قبل از ماجرا، شهاب با دوست دخترش به خانه ما آمده بود و موضوع آزار خواهرش از سوی پدر را مطرح و مرا برای قتل پدرش متقاعد کرد. با این حال چون ما معمولاً کوکایین و ماری‌جوانا مصرف می‌کردیم، فکر کردم شاید تحت تأثیر مواد چنین تصمیمی گرفته است؛ از او خواستم فعلاً دست نگه دارد اما شب وقتی برای تعویض خودرو به خانه پدرش رفتیم، شهاب به اتاق او رفت که صدای پدرش را شنیدم و وارد اتاق که شدم، دیدم شهاب پدرش را روی زمین انداخته و با چاقو ضربات متعددی را به او می‌زند. بعد هم بلند شد و گفت جسدش را داخل پتو بپیچیم و از خانه بیرون ببریم اما منصرف شدیم و خودمان لباس‌هایمان را عوض کردیم و رفتیم.»

قاضی پرسید: ۲ هزار دلار را گرفتی؟

متهم جواب داد: «نه، فقط چون برای خود شهاب سفارش کوکایین داده بودم، ۲ هزار دلار را به فروشنده مواد دادیم.»

در ادامه وکیل شهاب به قضات گفت: «یکسال پیش از حادثه مادر و خواهر موکلم از ایران رفته بودند و او تنها بود. متهم گفته که در کودکی توسط یکی از دوستان پدرش مورد آزار قرار گرفته و فرد خاطی محکوم هم شده است. موکلم گفته وقتی موضوع آزار خواهرش را شنیده، چنین تصمیمی گرفته است.»

پس از آن دختر مقتول به جایگاه رفت و گفت: «هیچ گاه پدرم مرا آزار نداده بود. برادرم قطعاً به خاطر من دست به جنایت نزده است. او مدام مواد مصرف می‌کرد. او خراش‌های سطحی روی دستم را دیده بود اما برایش اهمیتی نداشت که بداند چرا من روی دستانم تیغ می‌کشم. این کار برای من عادت شده بود مثل ناخن جویدن و اصلاً ربطی به خودکشی ندارد. برادرم تا زمانی که پدرم برایش خرج می‌کرد و به او مواد می‌رسید، رابطه خوبی با پدرم داشت و فقط به دنبال پول و ثروت بیشتر بود.»

وکیل دختر جوان هم گفت: «به نظر می‌رسد انگیزه متهم فقط پول بوده است. چرا که متهم بارها دستگاه‌های چندصد میلیاردی کارخانه پدرش را با قیمت چند ده میلیاردی فروخته تا بتواند مواد مصرف کند. او مدعی است نیاز مالی ندارد اما مدام به دنبال گرفتن پول‌های میلیاردی از پدرش بود. در ضمن متهم و همدستش در ابتدا انگیزه‌شان از قتل را موضوع دیگری مطرح کرده بودند اما در زندان یاد گرفته‌اند که بگویند قربانی مهدورالدم بود.»

شهاب در آخرین دفاعش گفت: «من نیازی به پول نداشتم؛ از کودکی هر چه می‌خواستم پدرم به من می‌داد، من همه دنیا را گشته‌ام نیازی به سرقت از پدرم نداشتم.»

با پایان جلسه، قضات برای صدور رأی وارد شور شدند.

یک قدم تا مرگ به خاطر ساعت طلا

گروه حوادث: مرضیه همایونی/ ساعت عتیقه با عقربه‌های طلا، صاحبش که قصد فروش آن را داشت تا یک قدمی مرگ کشاند.

به گزارش «ایران»، چندی قبل رهگذری در پارک چیتگر متوجه مردی شد که روی زمین افتاده است. وی تصور کرد که او فوت کرده اما زمانی که نزدیک‌تر رفت، صدای ناله‌های خفیف او را شنید و بلافاصله با اورژانس و پلیس تماس گرفت.

کتک تا دم مرگ

پسر جوان توسط امدادگران به بیمارستان منتقل شد و بررسی‌های اولیه نشان می‌داد که او به خاطر کتک‌های فراوان، به کما رفته و در یک قدمی مرگ قرار گرفته است.

تلاش کادر درمان برای نجات پسر جوان ادامه داشت تا اینکه با گذشت یک ماه، کوروش به هوش آمد و راز حادثه‌ای که برایش رقم خورده بود را برملا کرد.

کوروش در تحقیقات گفت: «روز حادثه به همراه دوستم شایان، به پارکی در تهرانسر رفتم وقتی از هم جدا شدیم من سوار خودروام شده و به سمت خانه رفتم. اما چند خیابان بالاتر از پارک که خیابان خلوتی است ناگهان راننده خودروی پژویی راهم را سد کرد و چهار مرد از داخل خودرو پیاده شدند. دو نفر از آنها با قمه و چاقو به جانم افتادند. آنها طوری مرا کتک زدند که نیمه هوش شدم و حالم به قدری بد شد که آنها تصور کردند مرده‌ام.»

در همان حال شنیدم یکی از آنها به دوستانش گفت: «به خاطر یک ساعت قاتل شدیم.» بعد مرا داخل صندوق عقب خودروشان گذاشته و در پارک چیتگر رها کردند که دیگر از هوش رفتم.»

او ادامه داد: «من ساعت عتیقه‌ای داشتم که عقربه‌هایش طلا بود. همان دوستم که با هم در پارک بودیم ساعت را از من حدود ۴ میلیارد تومان خریداری کرد و قرار بود پول آن را به حسابم واریز کند اما مدام امروز و فردا می‌کرد. تصور می‌کنم آدم‌ربایان با شایان در رابطه باشند برای اینکه گفتند به خاطر ساعت قاتل شدند.»

به دنبال اظهارات کوروش، تحقیقات به دستور بازپرس محسن اختیاری آغاز شد و تیمی از کارآگاهان وارد عمل شده تا عاملان این آدم‌ربایی را شناسایی کنند. در بررسی‌های صورت گرفته نیز مشخص شد شایان درست زمانی که از پارک خارج شده به مرد جوانی به نام امیر پیامک ارسال کرده که سوژه راهی خانه شد. همچنین ساعاتی بعد همان شخص در پیامی به شایان گفته بود که بدبخت شدیم.

با به دست آمدن این سرنخ، تیم تحقیق به سراغ شایان رفتند اما مرد جوان از محل متواری شده بود. در ادامه تحقیقات، امیر و سه نفر از همدستانش بازداشت شدند.

بدین ترتیب آنها به آدم‌ربایی و ضرب و جرح کوروش اعتراف کرده و تحقیقات برای دستگیری عامل اصلی این ماجرا به دستور بازپرس شعبه اول دادسرای امور جنایی پایتخت ادامه دارد.

فکر می‌کردیم قاتلیم

امیر ۳۰ ساله رابط اصلی شایان و آدم‌ربایان بود. وی درباره این ماجرا گفت: «ما به خاطر رفاقت این کار را کردیم. شایان بچه محل من بود و با سه همدستم در زندان آشنا شده بودم. به ما گفته بود که کوروش به خاطر گرانی طلا و ارز، قیمت ساعت را بالا برده به همین خاطر ما رفته بودیم که او را ادب کنیم.

ولی او را تا یک قدمی مرگ بردید؟ خدا رو شکر که زنده است. در تمام این مدت تصور می‌کردیم که او کشته شده و ما قاتل هستیم. عذاب وجدان داشتیم، اما بعد از دستگیری متوجه شدیم که زنده مانده است.

سابقه داری؟ چند باری به خاطر دعوا و شرارت پایم به کلانتری و زندان باز شده است.

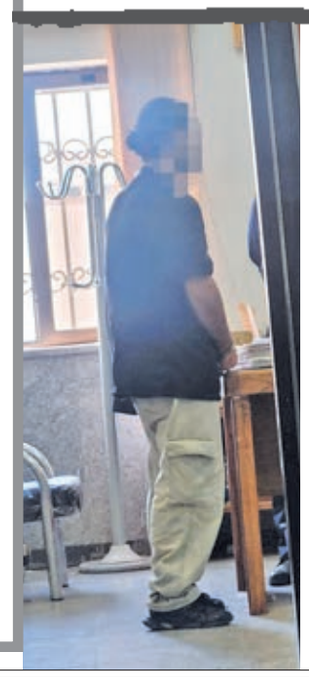

خبر

با دستور قاضی دادسرای ساوه

ضاربان ۲ بانوی تکنیسین اورژانس بازداشت شدند

گروه حوادث / رسیدگی به پرونده ضرب و شتم تکنیسین‌های اورژانس ساوه در حالی ادامه دارد که ضاربین با دستور قضایی بازداشت شدند.

به گزارش خبرنگار حوادث «ایران»، این حادثه عصر شنبه ۱۲ مهر برای دو نفر از بانوان تکنیسین اورژانس ساوه و یکی از تکنیسین‌های مرد هنگام انجام مأموریت در خانه زنی بیمار رخ داد و همراهان بیمار با حمله به این افراد و بستن در خانه برای ممانعت از خروج اقدام به ضرب و شتم آنها کردند.

طناز اقتصادی یکی از کارشناسانی که مورد ضرب و شتم قرار گرفته در تشریح ماجرا به «ایران»، گفت: به واحد بانوان اورژانس مأموریتی محول شد مبنی بر اینکه خانم سالمندی دچار سرگیجه شده که بلافاصله من به همراه دو همکار خانم و آقا به محل که خانه‌ای در یکی از محله‌های ساوه بود رفتیم. بیمار خانم ۷۴ ساله‌ای بود که ما بعد از بررسی فشار و اکسیژن خون و قند بیمار دیدیم مورد خاص و خطرناکی وجود ندارد. حتی تست‌های سکته مغزی و قلبی را هم انجام دادیم و همه چیز نرمال بود. در این میان دختر بیمار به ما گفت که مادرش از ۱۰ روز پیش به خاطر جابه‌جایی مایع میانی گوشش تحت درمان است و دارو مصرف می‌کند. ما هم به آنها گفتیم که طبق پروتکل‌های اورژانس بیمار شما در وضعیتی نیست که نیاز به انتقال داشته باشد در پایان هم دخترشان از ما تشکر کرد و ما هم به پایگاه برگشتیم.

وی در ادامه افزود: ۲۰ دقیقه بعد اپراتورهای ما دوباره مأموریتی با همان موضوع به ما محول کردند. وقتی نشانی را چک کردیم متوجه شدیم که همان خانه‌ای است که ۲۰ دقیقه قبل رفته بودیم موضوع را به اپراتور گفتیم که در جواب گفتند مردی تماس گرفته و مدعی بوده که حال مادرش اورژانسی است و چرا او را به بیمارستان منتقل نکرده‌اید. ما هم بر حسب وظیفه و به خیال اینکه شاید در وضعیت بیمار تغییراتی به وجود آمده باشد به سرعت خودمان را به محل رساندیم.

تکنیسین اورژانس گفت: وقتی وارد راهرو ساختمان شدیم مردی با لحنی تند به ما گفت که سریع وارد خانه شوید اما به محض ورود در آپارتمان که ضد سرقت بود را پشت سرمان بست و قفل کرد و ناگهان دو مرد و یک زن به ما حمله کرده و تهدید می‌کردند که شما را زنده نمی‌گذاریم، لباستان را برایتان کفن می‌کنیم و بعد هم ما را کتک زدند. یکی از افراد مهاجم مدعی بود پزشک است و بیمارشان باید به بیمارستان منتقل می‌شد. وقتی می‌خواستم برایشان توضیح دهم مهلت نداده و ما را کتک زدند. همکار آقا که با ما بود تلاش می‌کرد آنها را آرام کند و بین ما و آنها خودش را سپر کرده بود اما آنها بیشتر هجوم می‌آوردند تا اینکه من در یک لحظه قفل بالای در را باز کردم و با همکارانم از خانه فرار کردیم.

اقتصادی افزود: پس از آن با هماهنگی مجموعه اورژانس شکایتی از خانواده بیمار ثبت کردیم و قاضی کشیک ابتدا دستور جلب مهاجمان را صادر کرد و آنها بازداشت شدند و ما را هم که آثار ضرب و جرح بر بدنمان بود به پزشکی قانونی فرستاد و در آنجا تحت معاینه قرار گرفتیم و پرونده در حال رسیدگی است.

ابوالفضل ماهرخ، سخنگوی سازمان اورژانس کشور نیز در این باره گفت: خشونت علیه کادر درمان به ویژه نیروهای اورژانس موضوع جدیدی نیست و در سال چندین بار این اتفاق رخ می‌دهد، از دستگاه قضایی درخواست داریم این پرونده به صورت فوری بررسی شود و برای متهمان حکم های بازدارنده‌ای صادر شود تا دیگر هر کسی چه به عنوان بیمار و چه به عنوان همراه بیمار، نتواند به خودش اجازه دهد که به پرسنل زحمتکش اورژانس توهین کرده یا حمله کند. بر همین اساس با هماهنگی‌های صورت گرفته با نیروی انتظامی و قوه قضائیه، خیلی زود حکم دستگیری این ضاربان صادر شد و دو نفر دستگیر شدند.

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری در خانه‌های سفید قرار دهید که هر رقم در سطرها، ستون‌ها و مربع‌های کوچك ۳ در ۳ یکبار دیده شود

۴۸۶۱

آسان

			۳	۱				
۷					۴	۳		
	۶	۴		۹		۱		۸
	۸	۵		۷				۲
۱	۴	۳		۲		۸	۵	۷
۶				۴		۹	۳	
۲		۹		۵		۶	۴	
		۸	۴					۹
				۳	۷			

متوسط

	۵		۱					
				۹		۱	۸	۲
۹	۴			۸			۷	
۶		۴	۲					
		۷	۴		۹	۲		
					۷	۴		۱
	۷			۲			۶	۴
۲	۹	۶		۴				
					۳		۲	

سخت

۷	۴			۶				
					۸		۷	
۹		۵			۱		۲	
۴			۲					
	۱	۲	۷		۳	۵	۸	
					۵			۲
	۹		۱			۲		۵
	۶		۵					
				۲			۱	۴

خیلی سخت

۵	۲	۳			۴	۶		
						۱		
۸		۱			۲			
	۸			۴	۶			
۳								۵
			۹	۷			۸	
			۷			۴		۹
		۴						
		۹	۴			۵	۱	۷

حل جدول سودوکو شماره ۴۸۶۱

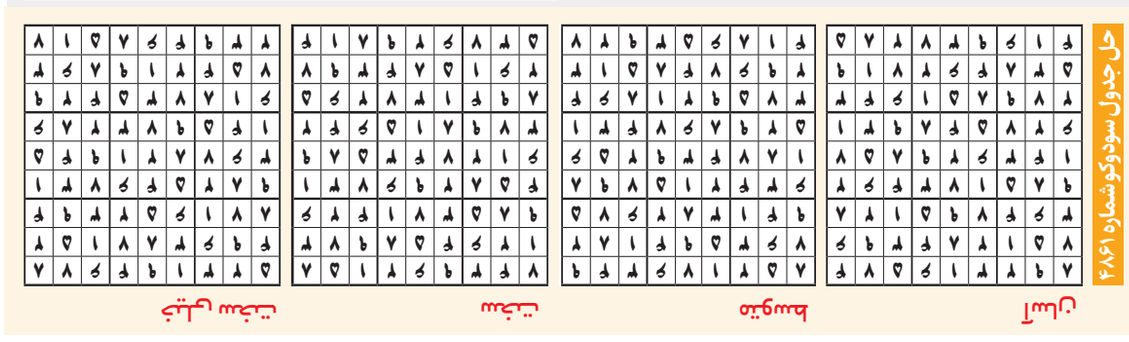

یک جدول با دو شرح

جدول روزنامه *ایران* دارای دو «شرح عادی و ویژه» است. در صورت تمایل به حل دو شرح ابتدا یکی از شرح‌ها را با مداد حل کرده و سپس با پاک کردن جواب شرح اول، به حل شرح دوم بپردازید.

۸۸۵۴

جدول عادی

افقی:

۱- اول صبح - با تدبیر و محتاط
۲- روزهای عرب - واحد شمارش صابون - ناشایست
۳- از درجات علمی - گوشت بریان - بیسکویت سبک و ترد
۴- نصف - وحشی - این هنگام - خالص
۵- اتمسفر - اظهار - کلمه تعلیل
۶- انجمن‌ها، نشست‌ها - بلوا و آشوب - مرکز اندیشه
۷- درخشان - غارت - نوعی یقه
۸- اسرار مگویش فاش و برملا گردید
۹- رنگ - داد و فریاد مردم - سیاحت، گشت
۱۰- دوستی - زیانکار - خودداری از خوردن
۱۱- پشیمان - میوه‌ای شیرین - بازی کبدی
۱۲- رایگان - فروغ - رنجوری - مرکز «اوکراین»
۱۳- حریف و مدعی - شهری در «ایتالیا» - رفتار به نرمی
۱۴- فیلمی از سید میلاد بنی طبا (روی پرده سینما) - خرمی، پاکی - پس و پشت
۱۵- ارشاد - طراوت و تازگی

عمودی:

۱- غذای قزوینی - نمای بنای «تاج محل» از این سنگ است
۲- بهره‌هوشی - مطالعه و تحقیق مقدماتی - تهیدستان
۳- سوگ - زادبوم - نوه‌زاده
۴- به روی خفته - روا کردن امری - کتف - پسوند مرا قبت
۵- سخنوران و شاعران - گواهی دادن - ردپای آب!
۶- مرگ از غصه - مته - طناب
۷- صدمه - برقرار و پایدار - مؤسس
۸- چشم‌انداز دلگشا - جمله قرآنی - پختن غذا
۹- سختی، عذاب - زیاد - مچاله شده
۱۰- انعکاس نور - بزرگواری - آتش مازنی
۱۱- اشاره به دور - لاک‌پشت کارتونی - تایلند قدیم
۱۲- کشتی جنگی بزرگ - راه شاعرانه - خسته و رنجور - محصول کنده
۱۳- رود مرزی «صربستان» - رود مرزی - به‌دردبخور و سودمند
۱۴- فدراسیون فوتبال اروپا - منظور - از توابع سوادکوه
۱۵- سبیل - محقق ساختن حداکثر توانایی‌های بالقوه فرد توسط خودش

جدول ویژه

افقی:

۱- دربان - اثری دیدنی در شهرستان «تفت» استان یزد
۲- چهره - شرح و تعریف - از وسایل ورزشی پرورش اندام
۳- غمخوار - نوعی سبزی - حافظه رایانه
۴- سرسرا - از توابع ارومیه - مقابل «خروج» - متحد
۵- دندانه سوهان - پخش صوت جیبی - تندی
۶- کوتاه و ناقص - شهر «برج کبوترخانه» - به اندازه کافی
۷- آتشدان - بعد از شصت و نه! - بسیار فقیر
۸- اثری از «آرتور میلر»
۹- ابزار احتیاطی - اسم دخترانه - فیلم «آدام سندلر»
۱۰- عدد دونده - گوی گریبان - کوه جنوب سراب
۱۱- سوداگران - بزرگ‌ترین شهر فارسی‌زبان جهان - نور کم
۱۲- از مصالح ساختمانی - موجب شناسایی شخص - گاه با تخته جور می‌شود! - علامت بیماری
۱۳- شهر سیستان و بلوچستان - دوا - نوعی پیچ‌گوشتی
۱۴- اسلحه کمری - واضح - تیز
۱۵- داروی ضد دیابت - بالا و پایین رفتن آب دریا

عمودی:

۱- مینی‌سریالی ایرانی و به‌یاد ماندنی - مقابل «کوچک»
۲- قسمی آش با آرد گندم - سحر - ورم پوست سوخته
۳- دلیر - موکت - عدم تمایل به فعالیت یا تلاش به‌رغم برخورداری از توانایی کافی
۴- ضلع مقابل به زاویه نود درجه در مثلث قائم‌الزاویه - برعکس - کبک - کابوی خوش‌شانس
۵- درگیر امری - بعضی اوقات - شهر رازی
۶- تیر پیکاندار - کمیسر سریالی - قلعه‌ای در زابل
۷- عدد قهرمان - هر سی روز - اشاره به‌کسی که نخواهند اسمش را ببرند
۸- اثر ابن سینا - تکنیکی - نوعی پارچه
۹- ترمز کشتی - مانند هم - همانند
۱۰- کنایه از گناهکار - رنگ نفرت - اندرون دهان
۱۱- صدای تمسخر - خانه‌به‌دوش - رستنی چتری شکل
۱۲- تاج‌دار شطرنج - شمارش - بی‌حرکتی - سحاب
۱۳- شهرستان - کسی که دامداری می‌کند - راه خروج
۱۴- رود شمالی - مصنوعی - مرض سر و صدا
۱۵- یرقان - بازیگر سریال «پس از آزادی»

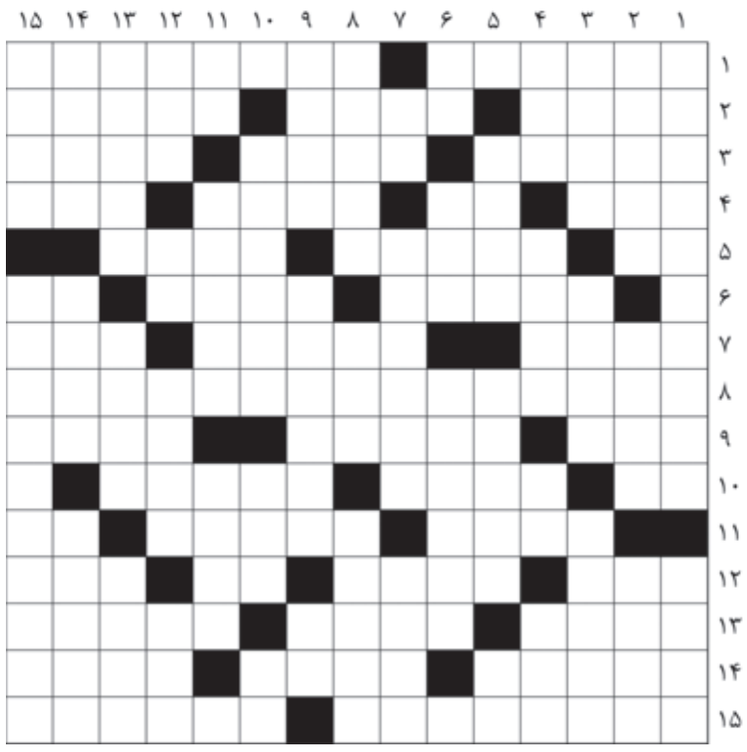

حل جدول عادی شماره ۸۸۵۳
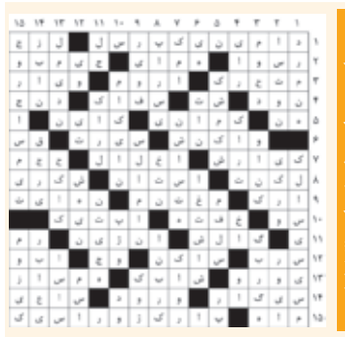
حل جدول ویژه شماره ۸۸۵۳